

## قانون مجازات عمومی

### فلسفه وضع آن

بخاطر داریم که یکی از ملامت های یکدیگر از علماء حقوق جزا بقوانین مجازات از نظر فرضی بودن جرم و مجرم و در نظر نگرفتن شخصیت او بوده بدون اینکه کیفیت وقوع جرم و علل و عوامل مؤثر در آن هنگام وضع قانون مورد توجه واقع گشته و بالتبع مجازات متناسب با آن وضع شده باشد همچنین گاه ممکن است کسی واقعاً بیگناه بوده و قرائن موجوده بر ضرر او ولی بیگناهی او مورد شیاع و تواتر است و یا بی نهایت قابل ترحم بوده و دادگاه توجه بان نکرده و یا دلائل بیگناهی او بعد از قطعیت حکم و هنگام اجرا کشف شده و تا تشریفات اعاده محاکمه و برائت او انجام شود اجرای مجازات شدید در باره او خارج از انصاف و ظلم فاحش است.

قبول عفو در قانون مجازات یکی از وسایلی است که مانند تعلیم و تخفیف (بشرحی که خواهیم دید) برای ترمیم کلیه معایب نامرده وضع شده و مخصوصاً برای آنست که اگر با تمام تسهیلات و وسائلی که باختیار قاضی گذارده اند - چه ز نظر رعایت اوضاع و احوال و شخصیت فاعل و چه از حیث وقوع جرم و قابلیت ترحم مرتکب - باز هم قاضی توجه شایسته بان نکرده و عقاید عمومی بر بی تقصیری یا لزوم اغماض و گذشت حاکمه بوده و از نظر قضائی راه حلی موجود نباشد بقوان از طریق اداری و بوسیله استدعای عفو از مقام عالی کشور جبران ایر قسمت را تأمین نمود.

### در شرایط عفو

عفو مقام اول کشور بطوری که از مقدمه فوق

استفاد میشود وقتی صورت پذیر است که حکم مجازات صادر و به مرحله اجرائی رسیده باشد. پس کسی که در حال تعقیب ولی هنوز حکم محکومیتی در باره او صادر نگشته و یا اگر هم صدور یافته قطعی و قابل اجرا نشده نمیتواند از آن بهره مند شود.

بر خلاف عفو عمومی که در هر مرحله ولو پیش از آنکه اشخاص مورد بازجویی و بازپرسی واقع شوند ممکن است پیش آید.

شرط دیگر آنکه مجازات مورد عفو جنبه جزائی داشته باشد بنابراین مجازات های اداری و امتنان آن قابل عفو نیست.

بنابعدیه بعضی از علماء شرط دیگر در عفو آنستکه مجازات موضوعه بدنی باشد نه مالی.

و حال آنکه دسته دیگر معتقدند که مجازات همیشه بر که جنبه جزائی داشت قابل عفو است خواه بدنی باشد و خواه مالی.

واضح میکند که منظور از عفو بخشیدن مجازات شخص است دیگر نوع مجازات تأثیری در بخشش آن ندارد بهلاوه بعضی اوقات هم جزای نقدی به مجازات بدنی تبدیل میشود (۱).

از طرف دیگر همان توجهی که برای فلسفه عفو گفته شده در مورد جزای نقدی هم قابل توجه است چه ممکنست شخصی بادای غرامتی محکوم شود که بدآ تماسی با تمکن مالی او و نوع حرش نداشته و شایسته هر گاه نه ترحم باشد.

(۱) در صورت عدم پرداخت عرامت محکوم علیه

زندانی میشود تا حکم را اجرا کند.

داده میشود ( که از سکوت قانون بمدت حبس میتوان اعدام را به حبس با اعمال شاقه بمدت محدود یا دائم تبدیل کرد) .

۴ - در مجازات جرم عادی عفو یا در کیفیت مجازات مؤثر است مثل تبدیل حبس با اعمال شاقه بحبس مجرد ، و یا در کمیت آن مثل آنکه از میزان مجازات متهم مقداری کاسته شود .

در عفو از نظر کمیت با مراجعه بقانون ایران اختلاف نظری در تعبیر جمله اخیر ماده ۵۵ ایجاد شده بدین شرح که قسمت اخیر ماده نامبرده ناظر بر اینست که « . . . . . مجازات سایر جرائم را یکدرجه تخفیف دهد یا قسمتی از آنرا تاربع عفو کند » .

از ظاهر عبارت ماده بعضی چنین استنباط میکنند که عفو قسمتی از مجازات تا ربع اشاره بقابل عفو بودن ربع مجازات است نه بیشتر و مقصود از کلمه (تاربع) تعیین منتهای حد تخفیف است .

برخی دیگر معتقدند که منظور از عبارت مزبور تعیین حدود عفو از حیث غایت آنست نه میزان آنچه وقتئذ قانونگذار حق داد قتل از مجازات را تاربع عفو نمایند قصدش اینست که تمام مجازات منهای يك ربع عفو شود قرینه مهم برای این تعبیر ماده ۴۵ قانون مجازات است که در مورد تخفیف جنحه عبارتی شبیه بجملة استنادیه در ماده ۵۵ بکار رفته بدین طریق : « . . . . . و مجازات حبس تأدیبی را تا هشت روز تخفیف داد » . و با این حال امکان تخفیف جنحه به هشت روز حبس مورد اتفاق است .

قرینه دیگر اصل تفسیر قانون برفع متهم است (خاصه در موردی که از عبارت قانون و ظاهر آن هم تعبیر برفع متهم بدون اشکال استفاده شود ) بنابراین بنظر این دسته از آشنایان بحقوق جزائی تخفیف مجازات تا يك ربع ناظر بر اینست که بتوان مجازات شخصی را سه ربع تخفیف داد و فقط ربع آخر را بموقع اجرا گذارد .

اکثریت علماء و رویه قضائی نیز با این اصل موافق است .

حال بیینیم عفو مقام اول کشور آیا فقط به مجازاتهایی که از نظر مادی قابل اجرا هستند تعلق میگیرد یا بر کلیه مجازاتها ولو آنها که بخودی خود با اجرا افتاده اند مثل محرومیت از حقوق اجتماعی ؟

پاسخ این پرسش بسته باینست که تشخیص داده شود مجازات مزبور اصلی است یا تبعی ؟

اگر مجازات اصلی باشد ( مانند حکم محکومیت کسی بر محرومیت از حقوق اجتماعی ) در این حال مجازات نامبرده قابل تفویض ولی اگر مجازات مزبور تبعی است مانند آنکه مجازات شخص جنائی بوده و در نتیجه آن محرومیت از حقوق اجتماعی نیز ایجاد میشود عفو مجازات اصلی موجب رفع آثار تبعی آن نمی شود .

شرط دیگر عفو رعایت شدن حدود و مقررات قانون و قابل عفو بودن مجازات است .

مثلا قانون مجازات عمومی ایران حق عفو را بشرح زیر تشریح کرده است :

ماده ۵۵ - در جرائم سیاسی پادشاه میتواند نظر به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب رئیس الوزراء تمام یا قسمتی از مجازات اشخاص را که بموجب حکم قطعی محکمه صالحه محکوم شده اند عفو نماید و نیز میتواند در جرائم غیر سیاسی مجازات اشخاص را که محکوم با اعدام شده اند تبدیل به حبس با اعمال شاقه نماید و مجازات سایر جرائم را يك درجه تخفیف دهد و یا قسمتی از آنرا تاربع عفو کند .

پس بشرح فوق برای آنکه عفو مقام اول کشور شامل محکومی شود باید مقررات زیرین رعایت شود :

- ۱ - مجازات سیاسی یا عادی باشد .
- ۲ - استدعای عفو به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب رئیس الوزراء بعمل آید .
- ۳ - در مجازات اعدام فقط يك و یا دو درجه تخفیف